



ISSN:2588-7033



Analytical Study of the Prophet Muhammad's (PBUH) Crisis Management during the Battle of Banu Mustaliq Based on the SWOT Analytical Model

Morteza Hasaninasab ^a, Farhad saboorifar ^{b*}, Mohammad Nasiri ^c

^a Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^b Associate Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^c Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Islamic Thought and Civilization, University of Tehran, Tehran, Iran

KEYWORDS

Prophet Muhammad (PBUH),
Crisis Management,
SWOT Model,
Hypocrisy

Received: 23 July 2025;
Accepted: 04 April 2026

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2026.2066729.1631

ABSTRACT

The Battle of Banu al-Mustaliq is one of the most influential events in the history of early Islam, which, in addition to its military dimensions, contained a deep social crisis caused by the instigations of the hypocrisy movement. In the meantime, the Prophet Muhammad (PBUH) was able to manage this crisis intelligently by utilizing strategic measures, divine rationality, and a precise understanding of the social structure of Islamic society. The present study examines the various managerial dimensions of the Prophet (PBUH) in dealing with the crisis of hypocrisy using the SWOT analytical model, which consists of four axes: strengths, weaknesses, opportunities, and threats. The results of this analysis show that the Prophet (PBUH) was able to exploit opportunities such as the revelation of verses exposing hypocrisy, the atmosphere of military victory, and the emotional support of some companions, and contain serious threats such as the outbreak of civil war, weakening of social unity, and public distrust, by relying on strengths such as divine legitimacy, personal unification, and the psychological cohesion of his companions. Also, weaknesses such as the social influence of Abdullah ibn Ubayy and unresolved tribal structures were controlled by strategies such as changing the field of the crisis and avoiding direct confrontation. This article, by combining the SWOT analysis method and the Prophet's life, provides an operational model for managing social crises in contemporary societies.

* Corresponding author.

E-mail address: F-saboorifar@araku.ac.ir





تحلیلی بر مدیریت پیامبر اسلام (ص) در جریان بحران غزوه بنی المصطلق بر مبنای الگوی تحلیلی سوات

مرتضی حسنی نسب^{الف}، فرهاد صبوری^{ب*}، محمد نصیری^ج

^{الف} استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، M-hasaninasab@araku.ac.ir

^ب دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، F-saboorifar@araku.ac.ir

^ج دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، nasiri.m@ut.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
پیامبر اسلام(ص)، غزوه بنی المصطلق، مدیریت بحران، الگوی SWOT، نفاق	غزوه بنی المصطلق، به عنوان یکی از وقایع تأثیرگذار در تاریخ صدر اسلام در کنار ابعاد نظامی، حاوی بحران اجتماعی عمیقی ناشی از تحریکات جریان نفاق بود. در این میان، پیامبر اسلام (ص) با بهره‌گیری از عقلانیت دینی، تدابیر راهبردی و شناخت دقیق از ساختار اجتماعی جامعه اسلامی، توانست این بحران را به شکلی مناسب مدیریت نماید. پژوهش حاضر با استفاده از الگوی تحلیلی سوات (SWOT) که مبتنی بر چهار محور قوت، ضعف، فرصت و تهدید است، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که در مواجهه با بحران مزبور، پیامبر اسلام (ص) چگونه برخورد کرد و آن را مدیریت نمود؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که پیامبر (ص) با اتکا به نقاط قوتی همچون مشروعیت الهی، وحدت‌بخشی شخصیتی و انسجام روانی یاران، توانست از فرصت‌هایی نظیر نزول آیات افشاگر نفاق، فضای پیروزی نظامی و همراهی عاطفی برخی یاران بهره‌برداری کند؛ و تهدیدهای جدی‌ای نظیر وقوع جنگ داخلی، تضعیف وحدت اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی را مهار نماید. همچنین به نظر می‌رسد به واسطه‌ی عملکرد به‌هنگام پیامبر (ص) در جریان بحران مذکور، ضعف‌هایی مانند نفوذ اجتماعی عبدالله بن‌ابی و منازعات قبیله‌ای حل‌نشده با رویه‌هایی نظیر تغییر میدان بحران و اجتناب از برخورد مستقیم جبران شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

مدیریت بحران یکی از عرصه‌های بنیادی در مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری اجتماعی است و کارآمدی یک جامعه، به‌ویژه در دوره‌های شکل‌گیری و تثبیت ساختار سیاسی- اجتماعی، به میزان توان آن در مواجهه با بحران‌ها بستگی دارد. جامعه اسلامی در صدر اسلام نیز از این قاعده مستثناء نبود و در مسیر بنیان‌گذاری هویت جمعی جدید، با مجموعه‌ای از چالش‌ها و تنش‌های درونی و بیرونی روبه‌رو شد؛ چالش‌هایی که اگر مدیریت سنجیده‌ای بر آن‌ها اعمال نمی‌شد، می‌توانست مسیر شکل‌گیری دولت اسلامی را با اختلال‌های جدی مواجه سازد. یکی از رویدادهای برجسته در این زمینه، ماجرای است که پس از بازگشت مسلمانان از غزوه بنی المصطلق اتفاق افتاد؛ واقعه‌ای که لایه‌های پنهان اجتماعی و قبیله‌ای آن، این رخداد را به بستری برای بروز فتنه‌ی نفاق در مدینه تبدیل کرد. در جریان بازگشت از این غزوه، تحریکات عبدالله بن‌ابی، سردسته‌ی جریان نفاق، زمینه شکل‌گیری اختلافات میان

مهاجران و انصار را فراهم ساخت و جامعه نوپای اسلامی را در آستانه یک بحران داخلی قرار داد.

آنچه این واقعه را از منظر پژوهش‌های راهبردی مهم می‌سازد، نه صرف وقوع یک تنش اجتماعی، بلکه ابعاد چند لایه‌ی کنش پیامبر اسلام (ص) در برابر این بحران است؛ کنشی که به دلیل تنوع عناصر درگیر - از عصبیت‌های قبیله‌ای و روابط قدرت، تا ساختار نفاق سازمان‌یافته و حساسیت‌های روانی جامعه پس از پیروزی در غزوه - نیازمند تحلیل نظام‌مند و مدل‌مند است. در این باره اگرچه پژوهش‌هایی درباره برخورد پیامبر (ص) با منافقان انجام شده، کمتر مطالعه‌ای به‌طور مشخص و تحلیلی به الگوی مدیریتی پیامبر (ص) در حادثه بنی‌المصطلق و بررسی راهبردهای قابل استنباط از این واقعه پرداخته است. از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که واکنش پیامبر اسلام (ص) در این موقعیت بحرانی چگونه سامان یافت؛ کدام عوامل درونی و بیرونی بر تصمیم‌گیری ایشان اثر گذاشت؛ و سازوکارهای مدیریتی این واکنش چگونه قابل مدل‌سازی است؟

به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، پژوهش حاضر از الگوی راهبردی SWOT بهره می‌گیرد؛ الگویی که با تمرکز بر چهار مؤلفه نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها امکان تحلیل محیطی و استخراج منطق تصمیم‌گیری را فراهم می‌سازد. بر اساس این رویکرد، پژوهش می‌کوشد بسترهای شکل‌گیری بحران، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های جامعه اسلامی در آن موقعیت و نوع مواجهه پیامبر (ص) با آن را با رویکردی تحلیلی تبیین کند. هدف اصلی، آشکار ساختن سازوکار مدیریت بحران در این واقعه است؛ امری که می‌تواند تصویری دقیق‌تر از نحوه حکمرانی پیامبر اسلام (ص) در برخورد با تعارضات اجتماعی ارائه دهد، بدون آنکه نتیجه‌گیری نهایی از پیش مفروض گرفته شده باشد. بدین ترتیب، پرسش محوری این تحقیق نه «اثبات موفقیت»، بلکه فهم نحوه مدیریت و تبیین عواملی است که در فرآیند تصمیم‌سازی پیامبر (ص) نقش داشته‌اند.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اگرچه آثار متعددی به موضوع نفاق و شیوه مواجهه پیامبر اسلام (ص) با منافقان پرداخته‌اند، اغلب این پژوهش‌ها رویکردی کلی و غیر موقعیت‌محور دارند و کمتر به تحلیل یک بحران مشخص وارد شده‌اند. به عنوان نمونه، پژوهش زمانی محبوب (۱۳۹۰) عمدتاً به ابعاد اخلاقی و مدیریتی رفتار پیامبر (ص) در برابر منافقان در سطحی کلان پرداخته و فاقد تحلیل یک واقعه عینی و محدود است. پژوهش طاووسی و احمدنژاد (۱۴۰۰) نیز اگرچه رفتار پیامبر (ص) را از منظر قرآن بررسی کرده، تحلیل آن صرفاً متکی بر آیات و فاقد تکیه نظام‌مند بر داده‌های تاریخی غزوه بنی‌المصطلق است و از سوی دیگر از چارچوب‌های تحلیلی راهبردی همچون سوات بهره نبرده است. مقاله مهدوی دامغانی (۱۳۸۸) نیز تاریخ نفاق در مدینه را در قالب تحلیلی گسترده و کلان‌تاریخی بررسی می‌کند، اما به تحلیل کنش‌های پیامبر (ص) در بحران‌های مشخصی همچون ماجرای مریسج وارد نمی‌شود. پژوهش دانش (۱۳۸۷) گرچه عنوان «استراتژی پیامبر (ص)» را دارد، اما استراتژی‌ها را به صورت کلی و نه مبتنی بر یک مطالعه موردی و موقعیت‌محور تبیین کرده و نیز از الگوهای مدیریتی ساختاری استفاده نکرده است. مقاله سلامی (۱۳۹۵) نیز نگاهی توصیفی به شیوه برخورد پیامبر (ص) با منافقان ارائه می‌دهد، اما فاقد تحلیل محیطی و تصمیم‌محور در چارچوب یک حادثه خاص است و غزوه بنی‌المصطلق را محور تحلیل خود قرار نداده است.

بر این اساس می‌توان گفت که در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، غزوه بنی‌المصطلق به‌عنوان یک «مطالعه موردی» برای تحلیل رفتار پیامبر (ص) بررسی نشده و نیز الگوی سوات برای استخراج قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در مدیریت بحران‌های صدر اسلام به‌کار نرفته است. خلاصه‌ی اصلی پژوهش‌های پیشین در این است که عمدتاً به تحلیل‌های کلان درباره نفاق پرداخته‌اند و به تلفیق داده‌های تاریخی و اجتماعی یک واقعه با چارچوب‌های تحلیل راهبردی دست نزده‌اند. از همین‌رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر یک

بحران مشخص و با بهره‌گیری از مدل SWOT، تلاش دارد تصویری راهبردی، عینی و موقعیت‌محور از مدیریت پیامبر اسلام (ص) در جریان بحران غزوه بنی‌المصطلق ارائه کند و از این طریق، گامی متفاوت در مقایسه با مطالعات موجود بردارد.

الگوی تحلیلی سوات

این چارچوب نظری یا الگوی تحلیلی سوات (Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats)، یکی از ابزارهای بنیادین در حوزه مدیریت راهبردی به‌شمار می‌رود. این نظریه برای نخستین بار در قرن بیستم در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی از سوی آلبرت هامفری ۲۰۰۵-۱۹۲۶ م، استاد و پژوهشگر مؤسسه تحقیقاتی استنفورد ایالات متحده آمریکا، مطرح شد و در دهه ۱۹۹۰ به طور گسترده در مدیریت راهبردی و تحلیل استراتژیک به‌کار گرفته شد (Duarte & et al, 2006, 21). این الگو بر آن است تا با بررسی محیط درونی و بیرونی سازمان یا نظام، بستر لازم برای تدوین راهبردهایی مؤثر جهت تحقق اهداف کلان فراهم می‌شود (اکبری و حداد، ۱۴۰۴، ۳۲۷-۳۲۸).

در این رویکرد ابتدا اهداف راهبردی مشخص می‌شوند، سپس با در نظر گرفتن شرایط داخلی و خارجی، استراتژی‌های مناسب برای دستیابی به این اهداف تدوین می‌گردند. تحلیل سوات نه تنها ابزاری برای شناخت وضعیت موجود است، بلکه وسیله‌ای برای کشف فرصت‌ها، شناسایی تهدیدها و ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌ها در مسیر تحقق اهداف سازمان یا نظام محسوب می‌شود (پیرس و رابینسون، ۱۳۸۰: ۲۷۰).

از منظر درونی، تحلیل سوات به دو مؤلفه اصلی توجه دارد: نقاط قوت (Strengths) عواملی هستند که سازمان یا نظام با بهره‌گیری از آنها، از مزیت رقابتی یا توانمندی‌های ویژه برخوردار است. در مقابل، نقاط ضعف (Weaknesses)، محدودیت‌هایی هستند که توان بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌ها را کاهش می‌دهند و باید تضعیف یا حذف شوند.

از سوی دیگر، در بررسی بیرونی، تحلیل سوات به فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدها (Threats) می‌پردازد. فرصت‌ها به عنوان ظرفیت‌های بالقوه‌ای تعریف می‌شوند که در صورت بهره‌برداری صحیح، می‌توانند سازمان یا نظام را در مسیر رشد و تعالی قرار دهند. تهدیدها، برعکس، خطرات یا چالش‌هایی هستند که ممکن است مانع تحقق اهداف شوند یا به کاهش کارآمدی منجر گردند (هریسون و جان، ۱۳۸۲، ۱۹۲؛ Namugenyi, 2019, 1147).

الگوی تحلیلی سوات تنها به شناسایی این چهار مؤلفه محدود نمی‌شود، بلکه هدف نهایی آن ترکیب و تلفیق این عوامل برای تدوین راهبردهای جامع و کارآمد است. این راهبردها در قالب ماتریسی چهاربخشی طراحی می‌شوند که به آن «ماتریس سوات» گفته می‌شود. در این ماتریس، چهار نوع راهبرد اصلی استخراج می‌گردد:

۱. راهبرد تهاجمی (SO): بهره‌برداری از نقاط قوت برای استفاده از فرصت‌ها؛
 ۲. راهبرد محافظه‌کارانه (WO): بهره‌گیری از فرصت‌ها برای رفع نقاط ضعف؛
 ۳. راهبرد تدافعی (ST): استفاده از قوت‌ها برای مقابله با تهدیدها؛
 ۴. راهبرد رقابتی یا گریز (WT): تلاش برای کاهش ضعف‌ها و پرهیز از تهدیدها (Helms, 1999, 1؛ احمدی، ۱۳۸۶: ۴۴).
- از این رو، تحلیل سوات مرحله‌ای بسیار مهم در فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک به‌شمار می‌رود و به تصمیم‌گیران امکان می‌دهد با شناخت دقیق موقعیت خود، تخصیص بهینه منابع و طراحی مسیر حرکت راهبردی، سازمان یا حکومت را در جایگاه مناسبی نسبت به رقبا یا تهدیدات احتمالی قرار دهند (شهسواری، ۱۴۰۱: ۴۹؛ چارلز، ۱۳۷۰: ۶۷).

چارچوب تحلیلی SWOT

بررسی محیطی	
تجزیه و تحلیل بیرونی	تجزیه و تحلیل درونی
O فرصت‌ها در ماتریس	S نقاط قوت در ماتریس
T تهدیدها در ماتریس	W نقاط ضعف در ماتریس

راهبردهای چهارگانه ماتریس SWOT به شکل زیر می‌باشد:

نقاط قوت S	نقاط ضعف W	
فهرست نقاط قوت	فهرست نقاط ضعف	
استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO	فرصت‌ها O
با نقاط قوت از فرصت‌ها استفاده کنید	با فرصت‌ها نقاط ضعف را از بین ببرید	فهرست فرصت‌ها
استراتژی‌های ST	استراتژی‌های WT	تهدیدات T
برای احتراز از تهدیدات، از قوت‌ها استفاده کنید.	نقاط ضعف را کاهش دهید و از تهدیدات بپرهیزید.	فهرست تهدیدات

معرفی راهبردهای چهارگانه SWOT

این راهبرد نقاط قوت را ارزیابی می‌کند. این راهبرد می‌تواند حالت هم‌افزایی ایجاد کند و سازمان یا نظام می‌تواند از فرصت‌های خارجی با تمرکز بر نقاط قوت شناسایی شده به بهترین شکل بهره‌برداری کند.	SO (تهاجمی)
این راهبرد مربوط به وضعیت داخلی سازمان یا نظام است و نقاط ضعف‌های آن را ارزیابی می‌کند. هدف این راهبرد، استفاده از فرصت‌های بیرونی برای اصلاح و کاهش نقاط ضعف درونی است.	Wo (انطباقی)
این راهبرد مربوط به وضعیت خارجی سازمان یا نظام است و فرصت‌های آن را در ارتباط با بیرون ارزیابی می‌کند. این راهبرد بر اساس توانمندی سازمان یا نظام طراحی می‌شود و برای مقابله با هر کدام از تهدیدهای احتمالی از تمام نقاط قوت داخلی استفاده می‌کند.	ST (اقتضایی)
این راهبرد مربوط به وضعیت خارجی سازمان یا نظام است و تهدیدات پیش‌رو را در ارتباط با بیرون ارزیابی می‌کند. هدف این راهبرد این است که تصمیماتی اتخاذ گردد که در برابر تهدیدهای شناسایی شده ضعف‌ها به حداقل ممکن برسد.	WT (دفاعی)

با توجه به مطالب یاد شده در خصوص الگوی تحلیلی سوات، این نوشتار به صورت مطالعه‌ی موردی به دنبال کاربردی‌ترین سوات در تبیین نحوه مدیریت بحران توسط پیامبر اسلام (ص) در غزوه بنی المصطلق است.

چکیده

روش تحقیق و شیوه استخراج داده‌ها در کاربرد الگوی سوات

این پژوهش از نوع مطالعه تاریخی - تحلیلی با رویکرد کیفی است و تحلیل سوات در آن نه به‌عنوان منبع داده، بلکه به‌منزله‌ی چارچوب طبقه‌بندی و استخراج الگوهای راهبردی استفاده شده است. بدین منظور مراحل استخراج داده‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها مطابق الگوی SWOT در چند گام انجام شده که در ادامه تشریح می‌شود.

۱. منابع تحقیق و معیار گزینش داده‌ها: داده‌های پژوهش بر پایه منابع اولیه تاریخی مانند سیره ابن هشام، تاریخ الامم و الملوک طبری، التنبیه و الاشراف مسعودی، المغازی واقدی و الطبقات الکبری ابن سعد جمع‌آوری شده‌اند؛ معیار گزینش، گزارش‌هایی بوده است که مستقیماً به واقعه بنی المصطلق، تحرکات عبدالله بن ابی و گروه نفاق، واکنش پیامبر (ص) و اصحاب و همچنین شرایط سپاه مسلمانان اشاره داشته‌اند.

۲. روش استخراج داده‌ها: تحلیل محتوای کیفی: به‌منظور فراهم‌سازی امکان تطبیق داده‌های تاریخی با اجزای الگوی سوات، از

تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده است. روند کار به این صورت بوده است:

الف: کدگذاری اولیه: تمامی داده‌ها به «واحدهای معنایی» تجزیه شد؛ مانند:

- سخنان عبدالله بن اُبی در مریسج،

- واکنش زید بن ارقم،

- تصمیم پیامبر به حرکت فوری،

- وضعیت روحی سپاه پس از پیروزی،

- نزول سوره منافقون و کارکرد اجتماعی آن.

ب: ایجاد مقوله‌های تحلیلی: واحدهای معنایی بر اساس نقششان در مدیریت بحران در قالب محورهای مشترک دسته‌بندی شدند، مانند: «عوامل تقویت‌کننده انسجام»، «کانون‌های تهدیدکننده وحدت اجتماعی»، «ظرفیت‌های دینی - عاطفی مؤثر بر تصمیم پیامبر» و «ریشه‌های ضعف ساختاری جامعه مدینه».

ج: انتخاب معیارهای قرارگیری در چهار مؤلفه SWOT: برای جلوگیری از هرگونه برداشت سلیقه‌ای، یک معیار چهارگانه به کار رفته است:

- قوت (Strength): هر عامل درونی که به پیامبر (ص) قدرت مدیریت بحران بخشیده باشد.

- ضعف (Weakness): هر عامل درونی که توان جامعه اسلامی را در مهار بحران کاهش داده باشد.

- فرصت (Opportunity): هر عامل بیرونی که پیامبر (ص) امکان بهره‌برداری و تبدیل آن به پشتوانه اجتماعی یا سیاسی داشته باشد.

- تهدید (Threat): هر عامل بیرونی که می‌توانست بحران را تشدید و وحدت جامعه را تهدید کند.

این معیارها مبتنی بر تعاریف استاندارد SWOT و به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که با ماهیت پژوهش‌های تاریخی نیز سازگار باشند.

۳. مراحل اجرای SWOT در پژوهش: فرآیند اجرای سوات در سه مرحله انجام شده است:

الف. شناسایی: گردآوری تمام عوامل اثرگذار در بحران؛ چه عوامل مرتبط با ساختار جامعه مدینه، چه رفتارهای گروه نفاق و چه اقدامات پیامبر (ص).

ب. طبقه‌بندی: جای دادن هر عامل در یکی از چهار مؤلفه اصلی سوات با توجه به معیارهایی که در بخش قبل توضیح داده شد.

ج. تدوین راهبردها: در این مرحله از «ماتریس چهاربخشی سوات» استفاده شده و با ترکیب مؤلفه‌ها چهار نوع راهبرد استخراج گردید:

- راهبردهای تهاجمی (SO)،

- جبرانی (WO)،

- محافظتی (ST)،

- دفاعی (WT).

این راهبردها نشان می‌دهد که پیامبر (ص) چگونه از قوت‌ها برای مهار تهدیدها، یا از فرصت‌ها برای جبران ضعف‌ها استفاده کرده‌اند.

نگاهی گذرا به وقایع غزوه بنی‌المصطلق

غزوه بنی‌المصطلق در پنجمین سال هجرت میان مسلمانان و قبیله بنی‌المصطلق روی داد (طبری، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۰۹). علت اصلی این غزوه، احساس خطر حارث بن ابی ضرار، رئیس این قبیله از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه بود. او به همراه مردان قبیله‌اش و برخی از طوایف هم‌پیمان، به جمع‌آوری نیرو و آماده‌سازی برای حمله به مدینه پرداخت (البلاذری، ۱۹۹۷م، ۱، ۴۰۷؛ واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱، ۴۰۵). وقتی این خبر به پیامبر (ص) رسید، ایشان بُریدهٔ اُسَلَمی را برای کسب اطلاعات به نزد حارث فرستاد. برنده به حارث گفت که او نیز می‌خواهد با جمع‌آوری پیروانی علیه پیامبر (ص) هم‌پیمان شود. حارث به او دستور داد که فوراً حرکت کند. پس از بازگشت برنده نزد پیامبر (ص)، ایشان همراه با سپاهی به سمت سکونت‌گاه بنی‌المصطلق حرکت کردند (واقدی، ۱۴۱۰ق، ۲، ۴۸؛ البغدادی، ۱۴۲۱ق، ۱۱۴).

پیامبر (ص) مسلمانان را خطاب قرار داد و آنان را از این وقایع آگاه نمود و مردم با شتاب آماده‌ی خروج از مدینه شدند. در این جنگ، گروهی از منافقان که قبلاً در جنگ‌ها شرکت نکرده بودند و انگیزه‌ای برای جهاد نداشتند، تنها به دلیل نزدیکی محل جنگ و به امید کسب مال، به دعوت پیامبر پاسخ مثبت دادند (ابن کثیر، ۱۳۹۶ق، ۳، ۲۹۷؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ۲، ۷۹). سپاهیان مسلمان در منطقه مُرِسیع فرود آمد و نبرد میان دو طرف آغاز شد. دشمن به سرعت متلاشی شد و تعداد زیادی از آن‌ها کشته و بقیه به اسارت درآمدند. در این جنگ تنها یک نفر از مسلمانان به شهادت رسید. پس از پایان جنگ، تمامی اموال بنی‌المصطلق به عنوان غنائم جنگی ضبط شد و گوسفندان و شتران زیادی میان مجاهدین تقسیم گردید (واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱، ۴۰۷؛ آیتی، ۱۳۷۸، ۴۳۹).

بروز فتنه در میان مجاهدان در انتهای جنگ

در آن هنگام که جنگ تمام شده بود، مسلمانان بر سر چاه‌های آب مریسیع، جایی که مقدار کمی آب داشت مانده بودند و آب چندان کم بود که دلوها پر نمی‌شد. در این زمان سَنان بن وَبَر جُهَنی که هم پیمان بنی‌سالم بود، همراه با چند تن از جوانان بنی‌سالم برای آب برداشتن آمد و متوجه شد که جمعی از انصار و مهاجرین بر سر چاه گرد آمده‌اند. جَهجا بن سَعید غفاری که مزدور عمر بن خطاب بود، کنار سنان بن ویر ایستاده بود. هر دو نفر دلوهای خود را به چاه انداختند و دلوهای آن دو با یک دیگر اشتباه شد. چون دلو سنان بن ویر از چاه بیرون آمد سنان گفت: این سطل من است. جَهجا نیز گفت: بخدا این سطل من است. میان آن دو بگو مگو در گرفت و جَهجا سیلی محکمی به سنان زد به طوری که از چهره او خون جاری شد و فریاد کشید: ای خزرجیان کمک کنید! و مردانی که همراه او بودند برانگیخته شدند (ابن‌هشام، بی‌تا، ۳، ۲۹۲).

سنان می‌گوید: «جَهجا گریخت و بانگ برداشت که ای قریشیان! ای مردم کنانه! کمک کنید! و قریشیان هم با شتاب به یاری او آمدند. من چون چنین دیدم همه انصار را به کمک خواستم. مردم اوس و خزرج در حالی که شمشیرهای خود را کشیده بودند پیش آمدند و ترسیدم که فتنه بزرگی برپا شود. گروهی از مهاجران نزد من آمدند و تقاضا کردند که از حق خود بگذرم.» [سنان گوید] قصاص گرفتن من مهم نبود، ولی نمی‌توانستم دوستان خود را وادار کنم که در قبال تقاضای مهاجران گذشت کنند. آنها به من می‌گفتند: فقط اگر پیامبر (ص) دستور عفو فرمود او را عفو کن، وگرنه باید از جَهجا قصاص بگیری. مهاجران با عبادة بن صامت و دیگر هم‌پیمانان من گفتگو کردند و رضایت آنها را بدست آوردند، لذا من هم موضوع را رها کردم و به عرض پیامبر (ص) نرساندم (واقدی، ۱۳۶۹، ۳۰۹).

عبدالله بن اَبیّ همراه ده نفر از منافقان آنجا حاضر بود. زید بن ارقم هم که جوانی در حد بلوغ بود با یکی دو نفر دیگر آنجا نشسته بود. چون صدای فریاد جهجا بلند شد که قریش را به کمک می طلبید، ابن اَبیّ سخت خشمگین شد و شنیدند که می گوید: به خدا من مذلت و خواری ای چون امروز ندیده‌ام. به خدا، من خوش نمی داشتم که مسلمانان را در مدینه بپذیرم ولی قوم من این کار را کردند و نظر خود را بر من تحمیل کردند، حالا کار به آنجا کشیده است که در دیارمان با ما می ستیزند و برتری جویی می کنند و حق نعمت و خوبی های ما را نسبت به خود منکر می شوند. به خدا مثل ما و این گلیم پوشان قریش همان مثلی است که می گوید «سگ خود را پرورش بده تا خودت را بدرد». به خدا دوست می داشتم و می پنداشتم که پیش از شنیدن این که کسی مانند جهجا کمک بطلبد، می مردم. من حاضر باشم و چنین شود و غیرتی از خود نشان ندهم! به خدا چون به مدینه رسیم عزیزان، افراد خوار را از آن بیرون خواهند کرد. آنگاه روی به حاضران کرد و گفت: خودتان نسبت به خود چنین کردید، آنها را در سرزمین خود پذیرفتید و در خانه های خود منزل دادید و در اموال خود با آنها برابری و مواسات کردید تا بی نیاز و ثروتمند شدند، حالا هم اگر از یاری آنها دست بردارید به سرزمین های دیگر می روند و از شما خوشنود نخواهند بود تا اینکه جان خود را برای ایشان فدا کنید و به جای آنها کشته شوید، شما بچه های خود را یتیم کردید و عده شما کم شد و آنها زیاد شدند (مسعودی، بی تا، ۲۱۵؛ واقدی، ۱۳۶۹، ۳۱۰).

بررسی تدابیر پیامبر (ص) در برخورد با این فتنه

پس از منازعه جهجا و سنان و سخنان عبدالله بن اَبیّ، زید بن ارقم که جوانی کم سن و سال بود، تمام این مطالب را در محضر رسول خدا نقل کرد. این خبر اصحاب را که نزد ایشان بودند خوش نیامد و رنگ چهره ایشان تغییر کرد و خطاب به زید گفتند: ای پسر، شاید از ابن اَبیّ خشمگینی و بیهوده می گویی؟ زید گفت: نه به خدا، خودم از او این حرف ها را شنیدم. گروهی از انصار به زید بن ارقم اعتراض کردند و گفتند: چرا مطالبی را به ابن اَبیّ که سالار قوم است نسبت داده ای در حالی که او نگفته است؟ تو بد کردی و رعایت خویشاوندی را نکردی! عمر بن خطاب که در آنجا بود گفت: «عَبَاد بن بشر» را بفرما تا: عبدالله را بکشد. رسول خدا گفت: چگونه دستوری دهم که مردم بگویند: محمد اصحاب خود را می کشد؟! (واقدی، ۱۳۶۹، ۳۱۰)

ابن اَبیّ به حضور پیامبر (ص) آمد و حضرت به او فرمودند: ای ابن اَبیّ اگر حرفی زده ای استغفار کن! اما او شروع به سوگند خوردن کرد که من جز آنچه زید می گوید، نگفته و بر زبان نیاورده‌ام؛ و چون میان قوم خود شریف بود چنین پنداشتند که او راست می گوید و نسبت به زید بن ارقم بدگمان شدند (واقدی، ۱۳۶۹، ۳۱۱).

رسول خدا به منظور آن که مردم را مشغول کند و دیگر در قصّه «عبدالله بن اَبیّ» چون و چرا نکنند، آن روز را تا شب و آن شب را تا بامداد و فردای آن روز را تا موقعی که گرمی آفتاب مردم را آزار می داد به حرکت ادامه داد؛ و بعد که اجازه داد اصحاب فرود آمدند، بی درنگ به خواب رفتند. سپس رهسپار مدینه شد تا حساسیت ها فروکش کند. در راه بازگشت به مدینه بود که «سوره منافقون» بر پیامبر (ص) نازل شد. مسلمانان مدینه، نسبت به عبدالله ابن اَبیّ بی توجهی کرده حتی بر وی سلام نمی کردند (ابن هشام، بی تا، ۲، ۲۹۱-۲۹۲).

در همین سفر، در نزدیکی مدینه، عبدالله فرزند عبدالله بن اَبیّ، مانع از ورود پدرش به مدینه شد و گفت: تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اجازه ندهد، نمی گذارم داخل شوی؛ برای این که روشن شود عزیز کیست و ذلیل کدام. خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید. آن حضرت به عبدالله دستور دادند تا از سر راه پدرش کنار رود. فرزند عبدالله نیز که اصرار کسانی را در قتل پدرش شنیده بود از شدت اخلاص نزد آن حضرت آمد و گفت: اگر قرار است پدرش کشته شود، اجازه به او داده شود تا خودش این کار را بکند؛ این در حالی است که همه خزر جیان می دانند که هیچ کس به پدرش مانند من نیکی نمی کند. او افزود: ترسش آن است

که کس دیگری او را بکشد و وی نتواند خود را ننگه داشته، به قاتل آسیبی برساند. پیامبر (ص) فرمود: من قصد کشتن پدرت را ندارم و تا وقتی میان ماست، به خوبی با او مدارا خواهیم کرد (ابن هشام، بی تا، ۳، ۲۹۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ۴، ۴۹۵-۴۹۴).

تحلیل رویه پیامبر (ص) بر اساس الگوی سوات (SWOT)

تحلیل الگوی سوات در بررسی مدیریت پیامبر اسلام (ص) در ماجرای غزوه بنی المصطلق، زمانی معنا می یابد که عوامل چهارگانه به صورت مجموعه ای از ظرفیت ها و محدودیت های راهبردی بررسی شوند. در این چارچوب، نقاط قوت جامعه اسلامی در آن موقعیت را می توان در چند محور اصلی توضیح داد:

نخست، رهبری الهی و مشروعیت سیاسی - دینی پیامبر (ص) که پشتوانه ای قوی برای ایجاد انسجام و جلوگیری از دامن زدن به اختلافات داخلی فراهم می کرد. این مشروعیت سبب می شد تصمیم های ایشان (حتی در شرایط حساس) به عنوان داوری نهایی پذیرفته شود. افزون بر این، شخصیت وحدت بخش پیامبر (ص) توانسته بود مهاجران و انصار را در سایه یک هویت مشترک جمع کند و همین امر از بروز شکاف های عمیق در موقعیت های تنش جلودگیری می کرد. همچنین، شبکه اصحاب امین و نزدیک، مانند زید بن ارقم، به پیامبر امکان می داد اطلاعات دقیق و فوری از تهدیدهای پنهان دریافت کند. پیروزی نظامی پس از غزوه نیز روحیه عمومی مسلمانان را تقویت کرده بود و به نوعی پشتوانه روانی برای تثبیت اقتدار پیامبر (ص) به شمار می رفت.

در مقابل، جامعه مدینه در آن مقطع ضعف هایی ساختاری داشت که زمینه ساز تحریک پذیری آن در برابر بحران نفاق بود. مهم ترین ضعف، تداوم عصبیت های قبیله ای و منازعات حل نشده میان خزرج و اوس بود؛ گسست هایی که هنوز زیر پوست جامعه فشار می آورد و در شرایط التهاب، قابلیت شعله ور شدن داشت. نفوذ ریشه دار عبدالله بن ابی در میان خزرج نیز از دیگر آسیب پذیری ها بود؛ زیرا مواجهه مستقیم با او احتمالاً واکنش تند پیروانش را در پی داشت. از سوی دیگر، نبود سازوکار شفاف اطلاع رسانی و عدم آگاهی کامل عموم مسلمانان از عمق نفاق، باعث می شد شایعات و برداشت های سطحی به سرعت گسترش یابد. افزون بر این، وجود تعصبات قومی در میان برخی از صحابه - که گاه بر تصمیم های عقلانی سایه می انداخت - می توانست فضای بحران را پیچیده تر سازد. در سوی دیگر، محیط بیرونی نیز فرصت های مهمی را در اختیار پیامبر (ص) قرار می داد. نزول سوره منافقون که چهره منافقانی مانند عبدالله بن ابی را برای عموم آشکار کرد، فرصتی برای روشنگری و کاهش ابهام در جامعه فراهم آورد. اقدام اخلاقی و ایمانی عبدالله بن عبدالله - که در برابر پدر منافق خود ایستاد - در سطح اجتماعی اثر عاطفی مهمی ایجاد کرد و مرز قبیله و دین را به سود پیامبر (ص) جابه جا ساخت. هم زمان، روحیه عمومی مسلمانان پس از پیروزی و خستگی از جنگ، آنان را آماده پذیرش دعوت به آرامش و پرهیز از نزاع می کرد. افزون بر این، پیامبر (ص) بر پایه تجربه های پیشین خود در مدیریت بحران های مدینه، به خوبی از سازوکارهای مهار اختلافات داخلی آگاه بود و این آگاهی یک فرصت مدیریتی مهم محسوب می شد.

با این حال، پیامبر (ص) با تهدیدهای جدی نیز روبه رو بود؛ از جمله امکان بروز جنگ داخلی میان مهاجر و انصار که درگیری اولیه جهجه و سنان تقریباً آن را شعله ور کرده بود. فعالیت سازمان یافته منافقان، به ویژه شخص عبدالله بن ابی که نفوذ اجتماعی و قبیله ای داشت، یک تهدید مستمر برای ثبات سیاسی بود. افزون بر این، هرگونه برخورد سریع و علنی با او می توانست برای تازه مسلمانان این تصور را ایجاد کند که پیامبر (ص) با مخالفان شخصی خود برخورد قهری می کند و این امر به تضعیف جایگاه سیاسی ایشان می انجامید. از سوی دیگر، امکان ریزش اجتماعی در اثر اقدام قهرآمیز نیز تهدیدی جدی به شمار می رفت.

در جمع بندی این عوامل، نوع واکنش پیامبر (ص) را می توان مجموعه ای از استراتژی های آگاهانه دانست. ایشان از نقاط قوت

برای مهار تهدیدها استفاده کردند؛ به عنوان نمونه، مشروعیت الهی خویش را در کنار نزول سوره منافقون به کار گرفتند تا چهره نفاق را بدون درگیری آشکار سازند. همچنین از فرصت‌های اجتماعی برای جبران ضعف‌های ساختاری بهره بردند؛ همچون استفاده از رفتار عبدالله پسر عبدالله بن ابی برای کاهش اثر عصیبت قبیله‌ای. در برابر تهدیدهای تنش‌آفرین، پیامبر (ص) با اتخاذ تصمیم‌هایی مانند جلوگیری از قتل عبدالله بن ابی و سپس دستور حرکت فوری به سوی مدینه، عملاً صحنه بحران را تغییر دادند و از شکل‌گیری درگیری گسترده پیشگیری کردند.

اگر بخواهیم به صورت فهرست‌وار و در جدول نیز این موارد را بیان کنیم، بایستی بیان داشت که بر این اساس تحلیل تفصیلی چهار مؤلفه اصلی براساس الگوی سوات به این شرح است:

۱. نقاط قوت (Strengths): نقاط قوت به عواملی گفته می‌شود که درون جامعه زمان پیامبر (ص) وجود داشت و می‌توانست به‌عنوان مزیت رقابتی در مواجهه با بحران به‌کار گرفته شود:

ردیف	مشخصه‌ها	توضیح
۱.	رهبری الهی و مشروعیت سیاسی-دینی پیامبر (ص)	مشروعیت پیامبر نزد عموم مسلمانان، به او قدرت نفوذ بی‌بدیلی داده بود تا در برابر تحریکات داخلی واکنشی خاص اتخاذ کند.
۲.	وحدت بخشی شخصیت پیامبر (ص)	شخصیت جامع‌الاطراف پیامبر به گونه‌ای بود که هم مهاجر و هم انصار را گرد هم می‌آورد.
۳.	تسلط اطلاعاتی از طریق اصحاب خاص	وجود روایاتی مانند زید بن ارقم که اطلاعات دقیق و فوری از تهدیدها ارائه می‌دادند.
۴.	روحیه اطاعت و وفاداری بسیاری از یاران	بسیاری از مسلمانان، ایمان ویژه‌ای به پیامبر (ص) داشتند که در بحران‌ها به ایشان رجوع می‌کردند و از تصمیمات او تبعیت می‌نمودند.
۵.	اقتدار نظامی پس از پیروزی در غزوه	پیروزی در مریسج روحیه سپاه را بالا برده و قدرت روانی پیامبر را افزایش داد.

۲. نقاط ضعف (Weaknesses): عوامل درونی که آسیب‌پذیری ساختار جامعه اسلامی را در آن موقعیت افزایش داده بود:

ردیف	مشخصه‌ها	توضیح
۱.	وجود منازعات حل نشده در ساختار اجتماعی قبیله‌ای	جامعه مدینه هنوز از عصیبت قبیله‌ای و رقابت‌های درون‌قومی رنج می‌برد.
۲.	نفوذ اجتماعی عبدالله بن ابی	عبدالله بن ابی به‌عنوان ریش سفید و صاحب نفوذ در خزرج جایگاهی داشت که مخالفت آشکار با او می‌توانست باعث واکنش تند قبیله‌اش شود.
۳.	نارسایی در توزیع اطلاعات شفاف	بخشی از مردم از واقعیت فتنه منافقان بی‌خبر بودند و از این رو به شایعات بیشتر اعتماد می‌کردند.
۴.	وجود تعصبات قبیله‌ای در میان برخی صحابه	برخی یاران تحت تأثیر وابستگی‌های قومی، واکنش‌هایی بروز می‌دادند که ممکن بود تصمیمات پیامبر را با چالش مواجه کند.

۳. فرصت‌ها (Opportunities): عوامل بیرونی که پیامبر (ص) می‌توانست از آن‌ها برای مهار بحران استفاده کند:

۱.	نزول سوره منافقون	نزول آیات سوره منافقون، چهره عبدالله بن ابی را آشکار ساخت و فرصت روشننگری عمومی فراهم آمد.
۲.	رفتار پسر عبدالله بن ابی	عبدالله بن عبدالله با برخورد با پدرش، مرز قبیله و دین را به نفع دین شکست و فضایی عاطفی به سود پیامبر ایجاد کرد.
۳.	خستگی عمومی از جنگ و تمایل به آرامش	مردم پس از جنگ پیروزی‌آمیز، بیشتر مستعد پذیرش دعوت به سکوت و مدارا بودند.
۴.	تجربه‌های پیشین پیامبر (ص)	ایشان پس از هجرت به مدینه و برخوردهای نخستین با منافقان مدینه، تجربه کافی برای مهار اختلافات داخلی داشتند.

۴. تهدیدها (Threats): عوامل بیرونی که می‌توانستند سبب تشدید بحران شوند:

۱.	خطر جنگ داخلی	درگیری جهجا و سنان و پاسخ‌گویی قبیله‌ای دو طرف می‌توانست به تقابل مهاجر و انصار تبدیل شود.
۲.	فعالیت سازمان‌یافته منافقان	حضور عبدالله بن ابی و یارانش، یک تهدید مستمر و فعال در درون جامعه بود.
۳.	احتمال از بین رفتن مرجعیت سیاسی پیامبر	اقدام سریع علیه عبدالله بن ابی ممکن بود وجهه پیامبر را به‌عنوان رهبر عدالت‌محور زیر سؤال ببرد.
۴.	ضعف انسجام اجتماعی در صورت	ممکن بود برخورد مستقیم با فتنه‌گران، باعث ترس و سرخوردگی گروهی از تازه‌مسلمانان شود.

برخورد قهری	
باتوجه به موارد ذکر شده، باید بیان داشت که استراتژی‌ها با بهره‌گیری از تحلیل SWOT بدین شرح است:	
استراتژی‌های - SO تهاجمی:	<ul style="list-style-type: none"> • تبلیغ پیام وحی (سوره منافقون) برای افشای چهره نفاق، استفاده از مشروعیت پیامبر (ص) برای تبیین حقیقت و بسج افکار عمومی. • استفاده از اقتدار نظامی پس از پیروزی در جهت تثبیت جایگاه سیاسی پیامبر (ص) در برابر عبدالله بن ابی.
استراتژی‌های - WO جبرانی:	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه آگاهی عمومی از تهدید نفاق از طریق ابزارهای تعلیمی پیامبر (ص)، جبران ضعف دسترسی به اطلاعات. • کاهش نفوذ قبیله‌گرایی با بهره‌گیری از اقدامات افراد برجسته مانند عبدالله فرزند عبدالله بن ابی.
استراتژی‌های - ST محافظتی:	<ul style="list-style-type: none"> • مدیریت بحران‌های قبیله‌ای با بهره‌گیری از اقتدار پیامبر (ص): مهار فتنه قریش - خزرج از طریق دعوت به وحدت. • حفظ اقتدار پیامبر (ص) از طریق اقدامات نمادین: مانند جلوگیری از قتل عبدالله بن ابی.
استراتژی‌های - WT دفاعی:	<ul style="list-style-type: none"> • اجتناب از برخورد مستقیم و علنی برای ممانعت از درگیری‌های قبیله‌ای و فروپاشی انسجام اجتماعی. • تغییر میدان بحران: با صدور فرمان حرکت فوری به مدینه برای پایان دادن به درگیری‌های لفظی و شایعات.

تحلیل راهبردی مدیریت پیامبر (ص) در غزوه بنی المصطلق نشان می‌دهد که ایشان با شناخت عمیق از محیط داخلی و خارجی، نقاط قوت را در جهت مهار تهدیدها به کار گرفتند و از فرصت‌های اجتماعی، دینی و روانی برای جبران ضعف‌ها بهره بردند. این تحلیل اثبات می‌کند که پیامبر (ص) علاوه بر رهبری معنوی و پیامبری دینی، راهبردپذیری آگاه و مدیری بحران‌فهم بودند. رویکرد ایشان، نمونه‌ای بی‌بدیل از حکمرانی با نگاهی آینده‌نگر، تحلیل محور و منعطف در برابر بحران‌های پیچیده اجتماعی محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

مدیریت پیامبر اکرم (ص) در ماجرای غزوه بنی المصطلق، از برجسته‌ترین نمونه‌های تاریخی رهبری در شرایط بحران اجتماعی است که با رویکردی دینی و عقلانی به انجام رسید. بررسی این رویداد با استفاده از الگوی تحلیلی سوات (SWOT) نشان داد که پیامبر (ص) نه تنها به تهدیدات بیرونی مانند نفاق و منازعات قبیله‌ای آگاهی داشتند، بلکه با شناخت کامل از ظرفیت‌های درونی جامعه اسلامی آن دوران، در مهار بحران و تبدیل تهدید به فرصت با کامیابی همراه بودند.

تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها بیانگر آن است که پیامبر (ص) چگونه با بهره‌گیری از مشروعیت الهی، انسجام روانی و اجتماعی اصحاب خود و تدابیر حساب شده رفتاری توانستند تهدید عبدالله بن ابی و منافقان پیرامون او را به فرصتی برای رشد اجتماعی، تقویت اتحاد و افزایش شفافیت در درون امت اسلامی تبدیل نمایند. از جمله مهم‌ترین نکات در این الگو، بهره‌برداری از نزول آیات الهی به‌عنوان پشتوانه معنوی برای راهبردهای مدیریتی، استفاده از اقدامات عاطفی و معنادار افراد مؤثر مانند عبدالله فرزند عبدالله بن ابی و انتخاب زمان‌بندی دقیق برای اقدام یا سکوت بود؛ که در عین پرهیز از تنش و جنگ داخلی، هدف تثبیت اقتدار اجتماعی و الهی پیامبر را محقق ساخت.

در این راستا، استراتژی‌های تهاجمی (SO) با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی برای اشاعه پیام وحی و کنترل بحران، استراتژی‌های جبرانی (WO) برای جبران نارسایی‌های درونی و کاهش نفوذ عناصر نفاق، استراتژی‌های محافظتی (ST) برای مهار تهدیدات موجود با بهره‌گیری از اقتدار دینی و اجتماعی؛ و نهایتاً استراتژی‌های تدافعی (WT) برای پیشگیری از وخامت اوضاع و انتقال میدان تنش به خارج از فضای بحران، همگی به شکلی هماهنگ در تدابیر پیامبر (ص) جلوه و تحقق یافته است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که پیامبر اسلام (ص) با قدرت تحلیل راهبردی و توان مدیریت شرایط فوق‌العاده بحرانی، نه تنها

جامعه نوپای اسلامی را از درگیری اجتماعی که ممکن بود تبعات فراوانی داشته باشد، نجات دادند، بلکه الگویی مناسب برای مدیریت بحران‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در تاریخ اسلام ارائه نمودند. الگوی مدیریتی ایشان تلفیقی از عقلانیت سیاسی، اخلاق نبوی، صبر خردمندانانه و آگاهی اجتماعی بود که می‌تواند الهام‌بخش رهبران دینی و سیاسی در مواجهه با شرایط دشوار و پرمخاطره محسوب گردد.

در نهایت می‌توان چنین استنباط کرد که بهره‌گیری از مدل‌های تحلیلی نوین مانند سوات در ارزیابی عملکرد پیامبر (ص) در مدیریت بحران‌های تاریخی، نه تنها به درک عمیق‌تری از سیره نبوی کمک می‌کند، بلکه ظرفیت‌های کاربردی آن را برای الگوگیری در جوامع معاصر نیز روشن می‌سازد. این تحلیل بر آن است که پیامبر اسلام (ص) را نه تنها به‌عنوان پیامبر الهی، بلکه به‌عنوان مدیری هوشمند و آینده‌نگر معرفی نماید.

منابع

- ابن سید الناس، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمانل و السیر*، تحقیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار القلم.
- ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل (۱۳۹۶ق). *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی عبد الواحد، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا). *السیرة النبویة*، تحقیق ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: چاپ مصطفی سقا.
- اکبری، زهرا؛ حداد، غلامرضا (۱۴۰۴). «تحلیل استراتژیک قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در بهره‌گیری از رقابت چین و امریکا بر اساس الگوی SWOT»، مجله پژوهش‌های راهبردی سیاست، اردیبهشت ۱۴۰۴، دوره ۱۴، شماره ۵۲ - شماره پیاپی ۸۲.
- ایزاک، استفن، باهمکاری ویلیام ب. مایکل (۱۳۷۴ش). *راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی*، ترجمه مرضیه کریم‌نیا، مشهد: آستان قدس رضوی.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- البغدادی، محمد بن حبیب (۱۴۲۱ق). *المحبر، مصر، دار الغد العربی*.
- البلاذری (۱۹۹۷م). *انساب الاشراف*، تحقیق محمد الفردوس العظم، دمشق: دار الیقظه العربیه.
- پیرس. جان، کنت رابینسون. ریچارد (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک*، ترجمه سهراب خلیلی شورینی. تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- چارلز. شوانک (۱۳۷۰). «سلفی‌گری نوین در تقابل با راهبرد تقریب اسلامی». نشریه طلوع. سال هفتم. شماره ۲۷. صص ۸۵-۱۰۶.
- دانش، محمدقدیر (۱۳۸۷ش). «رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق»، مجله معرفت، شماره ۱۲۹، ۱۳۸۷ش.
- دلاور، علی (۱۳۹۰ش). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: انتشارات رشد.
- شهسواری. سجاد (۱۴۰۱). «تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت آموزش در سازمان با استفاده از روش سوات (رویکردی تربیت گرایانه)». فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز. شماره ۲. صص ۴۰-۶۵.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق). *سبل الهدی و الرشاد*، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

- طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۰۸ق). *تاریخ الطبری*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مسعودی، علی بن الحسین (بی تا). *التنبيه والاشراف*، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹ش). *المغازی*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هریسون، جفری؛ جان، کارون (۱۹۲۰). *مدیریت استراتژیک*. ترجمه بهروز قاسمی، تهران: انتشارات هیئت.
- Duarte, Carolina; Lawrence P. Ettkin, Marilyn M. HelmsMichael S. Anderson, (2006), The challenge of Venezuela: a SWOT analysis, Vol.16, No.3&4, pp2-32.
- Helms, M. M, (1999), "How to be Successful in China: A SWOT Analysis", *Competitiveness Review*, Vol. 9, No. 2.
- Namugenyia, Christine; L Nimmagaddab, Shastri; Reiners, Torsten. (2019). Design of a SWOT Analysis Model and its Evaluation in Diverse Digital Business Ecosystem Contexts, *Procedia Computer Science*, Volume 159. Pages 1145-1154.